

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

روش‌های آموزشی (برای اساتید)

مؤلف :

زینب غفاری

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۴۰۰

فهرست مطالب

مقدمه / صفحه ۶

فصل اول / صفحه ۸

تعریف واژه‌های آموزش، یادگیری و تدریس / صفحه ۹

یادگیری / صفحه ۹

تدریس / صفحه ۱۵

آموزش / صفحه ۷۱

فصل دوم / صفحه ۲۰

مرحله اول فرآیند آموزش (بررسی و جمع‌آوری اطلاعات) /

صفحه ۲۱

بررسی نیازهای آموزشی / صفحه ۲۲

بررسی یادگیرنده / صفحه ۳۰

بررسی محیط آموزشی / صفحه ۴۲

فصل سوم / صفحه ۴۴

مرحله دوم فرآیند آموزش / صفحه ۴۵

فصل چهارم / صفحه ۵۲

مرحله سوم فرآیند آموزش (برنامه ریزی) / صفحه ۵۳

تعیین اهداف آموزشی / صفحه ۵۳

حیطه های یادگیری / صفحه ۵۹

اجزای جمله اهداف آموزشی / صفحه ۸۶

تعیین اولویت آموزشی / صفحه ۱۰۷

فصل پنجم / صفحه ۱۱۳

مرحله چهارم فرآیند آموزش: اجرا / صفحه ۱۱۴

الگوهای تدریس / صفحه ۱۱۵

روش های تدریس / صفحه ۱۳۱

تکنیک های آموزشی / صفحه ۱۶۳

ابزارهای آموزش / صفحه ۱۸۰

فصل ششم / صفحه ۱۸۲

مرحله پنجم فرآیند آموزش (ارزشیابی) / صفحه ۱۸۳

انواع ارزشیابی / صفحه ۱۸۴

روش های ارزشیابی / صفحه ۱۹۵

مقدمه

معلم کسی است که به دیگران علم می آموزد و با تکیه بر دانش و مهارت خود هر آنچه را که خود آموخته به دانش آموزان می آموزد. معلم کسی نیست که تنها با سخنرانی آموخته های خود را به دانشجویان منتقل کند بلکه معلم باید با به کارگیری روش های متفاوت اطلاعات و آموخته های خود را به شیوه ای متفاوت و خلاق به دانش آموزان خود منتقل کند و گامی موثر در یادگیری بهتر و بیشتر دانشجویان خود بردارد. آموزش مانند هر حرفه و هنر دیگری به مهارت نیاز دارد. همانطور که شخصی که اصول و فنون نقاشی را آموخته می تواند بهتر از کسی نقاشی کند که این کار را تنها از طریق استعداد و تجربه انجام می دهد، معلمی هم که آموزش را به روش علمی و اصولی آموخته می تواند آموزش را بهتر و مفیدتر از معلمی انجام دهد که آموزش را صرفا با استفاده از آنچه

دیده و شنیده انجام می دهد. بسیاری از معلمان روش های تدریس و آموزش را به صورت تخصصی یاد نگرفته اند و تنها با استفاده از تجربیاتی که از مشاهده عملکرد معلمان خود کسب کرده اند و یا با استفاده از آنچه در کارگاه های مختلف روش های آموزشی یا آموزش های ضمن خدمت آموخته اند، آموزش به دانشجویان را انجام می دهند. ما در این کتاب قصد داریم روش های نوین آموزش را به زبان ساده و قابل فهم و به صورت کاربردی در اختیار معلمان گرامی قرار بدهیم.

فصل اول

آنچه در این فصل می خوانید:

- تشریح تفاوت های یادگیری، آموزش و تدریس
- انواع یادگیری
- یادگیری
- تدریس
- آموزش

تعریف واژه‌های آموزش، یادگیری و تدریس

همه ما به طور مکرر واژه‌های یادگیری، آموزش و تدریس را مورد استفاده قرار داده‌ایم اما گاهی این واژه‌ها را به اشتباه به جای یکدیگر به کار گرفته‌ایم. این سه واژه با یکدیگر مرتبط هستند اما با یکدیگر تفاوت‌های اساسی دارند و به کار بردن این واژه‌ها به جای یکدیگر غیر اصولی و غیر علمی است. در ادامه به تعریف هر کدام از این واژه‌ها و کاربرد صحیح آن‌ها در موقعیت‌های مختلف اشاره می‌کنیم.

یادگیری

یادگیری یک فرآیند است که سبب ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار، نگرش و شناخت فرد می‌شود. (رفتار: واکنشی که از یک موجود زنده سر می‌زند.)

(شناخت: عمل فکری یا فرآیند به دست آوردن دانش
از طریق تجربه، فکر و حواس)

با توجه به معنای یادگیری، زمانی می توانیم بگوییم
یادگیری در فردی اتفاق افتاده که آنچه او آموخته است
بتواند در رفتار، نگرش و شناخت او تغییر ایجاد کند.

به عنوان مثال زمانی که معلم نحوه تزریق صحیح
یک دارو را به یک دانشجو می آموزد، در صورتی معلم
می تواند ادعا کند که یادگیری در دانشجو اتفاق افتاده
که آن دانشجو در تزریق دارو روش های آموخته شده
قبلی را کنار بگذارد و از روش آموخته شده جدید استفاده
کند و به عبارتی در رفتار او تغییر ایجاد شده باشد اما اگر
دانشجو همچنان از روش های آموخته شده قبلی استفاده
کند و تغییری در رفتار او ایجاد نشده باشد یادگیری اتفاق
نیفتاده است.

یا در مثالی دیگر، زمانی که معلم در کلاس درس
مطالبی را در مورد انواع رژیم های درمانی بیماران دیابتی
به دانشجو می آموزد اگر دانشجو هنگام ارائه آموزش این

رژیم به بیمار خود، آنچه معلم به او آموخته را به بیمار ارائه کند در واقع یادگیری در دانشجو اتفاق افتاده است اما اگر نتواند رژیم دیابتی را آن گونه که معلم به تدریس کرده، به بیمار آموزش بدهد و در آموزش به بیمار از همان اطلاعات قبلی خود استفاده کند یادگیری اتفاق نیفتاده است.

یادگیری تغییر در رفتار، شناخت و نگرش است. این به این معناست که یادگیری زمانی اتفاق می افتد که ما بتوانیم تغییر رفتار را در دانشجو به طور واضح مشاهده کنیم.

یادگیری در صورتی اتفاق افتاده که دانشجو بتواند کارهایی که قبلاً نمی توانسته انجام بدهد را انجام دهد یا آنچه را قبلاً نمی دانسته اکنون بداند و درک کند و یا رفتارهای نادرست قبلی او با رفتار صحیح جایگزین شده باشد. ابتدا یادگیری اتفاق می افتد و بعد از یادگیری تغییر در رفتار، نگرش و شناخت ایجاد می شود.

انواع یادگیری

یادگیری از روش های مختلف ایجاد می شود و انسان ها به روش های مختلف موضوعات مختلف را یاد می گیرند.

یادگیری از طریق تدریس

در این نوع یادگیری فردی مانند معلم موضوعی را برای دانشجویان تدریس می کنند و دانشجویان با توجه به گفته های معلم آنچه را او توضیح داده است را یاد می گیرند.

یادگیری از طریق آزمون و خطا

یادگیری همیشه در اثر آموزش اتفاق نمی افتد، بلکه افراد از طریق تجربه و آزمون و خطا نیز می توانند یاد بگیرند بدون اینکه کسی به آن ها آموزش داده باشد. یادگیری از طریق آزمون و خطا نیز باعث تغییر در رفتار، شناخت و نگرش آن ها می شود. به عنوان مثال دانشجوی

پرستاری که مهارت تزریق آمپول را از استاد خود آموخته اما جزئیات روش تزریق را از وی نیاموخته، پس از چندین بار تزریق متوجه می شود که زمانی که تزریق آمپول را به روش آهسته انجام می دهد بیماران درد کمتری را احساس می کنند تا زمانی که آمپول را سریع و به سرعت تزریق می کند. این دانشجو بر اساس آنچه تجربه کرده و آزمون و خطا کرده، یاد می گیرد که از این پس آمپول را به صورت آهسته تزریق کند. در اینجا یادگیری اتفاق افتاده و باعث تغییر رفتار دانشجو شده است اما یادگیری از طریق آموزش و تدریس اتفاق نیفتاده بلکه از طریق آزمون و خطا اتفاق افتاده است.

یادگیری از طریق تعامل با محیط

نوع دیگر یادگیری، یادگیری است که از طریق تعامل با محیط حاصل می شود. به عنوان مثال دانشجویی که در جلسه کارآموزی به طور اتفاقی نحوه مصاحبه پزشک با یک بیمار را مشاهده می کند، از نحوه مصاحبه پزشک با بیمار اطلاعاتی در مورد نحوه مصاحبه با بیمار می

آموزد. در اینجا نیز یادگیری اتفاق افتاده است اما حاصل تدریس و آموزش نیست بلکه حاصل تعامل دانشجو با محیط است.

پس همانطور که گفته شد یادگیری همیشه در اثر تدریس اتفاق نمی افتد و انسان ها گاهی از طریق تجربه، آزمون و خطا و تعامل با محیط می آموزند. عکس این مطلب نیز صادق است یعنی همانطور که همیشه یادگیری در اثر تدریس نیست، همه تدریس ها هم باعث یادگیری نمی شود و آن نوع تدریس باعث یادگیری می شود که بر طبق اصول علمی باشد.

در این کتاب آن نوعی از یادگیری مد نظر ماست که در نتیجه فرایند آموزش و تدریس از جانب معلم در دانشجو اتفاق می افتد و سبب تغییر پایدار در رفتار، شناخت و نگرش دانشجو می شود.

نظریه پردازان علوم روانشناسی تئوری هایی را ارائه کرده اند که تئوری های یادگیری نامیده می شود. این تئوری ها چگونگی یادگیری و روش هایی که باعث

افزایش یادگیری می شوند را ارائه می دهند. این تئوری ها راه های یادگیری برای دانشجو را بیان می کنند. تئوری های یادگیری صرفاً به پدیده یادگیری توجه دارند و همیشه معطوف به دانشجو است یعنی به دانشجو روش هایی را ارائه می کنند که دانشجو بتواند با استفاده از آن ها بهتر یاد بگیرد. در مقابل تئوری های یادگیری، تئوری های دیگری وجود دارند که تئوری های تدریس نامیده می شوند. این تئوری ها روش هایی را ارائه می دهند که معلم می تواند با به کار گیری آن ها دانشجو را تحت تاثیر قرار بدهد و سبب شود که دانشجو یاد بهتر بگیرد و معطوف به معلم است. در فصل های آینده به توضیح این تئوری ها خواهیم پرداخت.

تدریس

تدریس و آموزش گاهی به اشتباه به جای یکدیگر به کار برده می شوند اما آموزش با تدریس تفاوت دارد. تدریس به معنای درس دادن است. در تدریس معلم

تلاش می کند مطالب آموزشی را به روش های مختلف برای دانشجو شرح بدهد.

تدریس رفتار متقابل آموزشی است که بین مدرس و دانشجو رخ می دهد. در تدریس معلم آموخته های خود را به دانشجویان ارائه می کند و دانشجو مطالب گفته شده را دریافت می کند و در واقع یک رفتار متقابل ارائه و دریافت صورت می گیرد.

تدریس، یکی از مراحل فرآیند آموزش است. آموزش یک فرآیند چند مرحله ای است که یکی از مراحل آن تدریس است. در واقع تدریس به آن قسمت از فعالیت های آموزشی گفته می شود که با حضور معلم در کلاس درس اتفاق می افتد و هدف آن ایجاد شرایط مطلوب یادگیری از سوی معلم است.

به طور مثال در یک دوره آموزشی معلم قبل از شروع دوره، برنامه ریزی می کند که فصل اسید و باز شیمی را ابتدا به شکل تئوری و با استفاده از اسلاید در کلاس درس تدریس کند و سپس در آزمایشگاه شیمی به صورت

عملی به دانشجو نشان بدهد. سپس برای اطمینان از اینکه دانشجو مطالب را فراگرفته ابتدا مطالب را به صورت کتبی از دانشجو امتحان بگیرد و در مرحله بعد، مطالب آموخته شده را به صورت عملی از دانشجو امتحان بگیرد. سپس نکاتی را که دانشجو نیاموخته یا به اشتباه آموخته به او بازخورد بدهد. در واقع معلم با طی کردن این مراحل در حال انجام فرآیند آموزش است و مجموع این مراحل با هم فرآیند آموزش است. اما زمانی که معلم فقط در کلاس درس مطالب آموزشی را برای دانشجو ارائه می دهد در حال تدریس است و این تدریس یکی از مراحل آموزش است. فرایند آموزش گسترده تر از تدریس است.

آموزش

آموزش، یک سلسله فعالیت هایی منظم، هدف دار و ازپیش طراحی شده است که هدف آن افزایش یادگیری است. این فعالیت ها به صورت مرحله ای انجام می شوند تا بتوانند یادگیری بهتر ایجاد کنند.

تمام اقداماتی که معلم از زمان شروع یک دوره آموزشی تا پایان دوره انجام می دهد تا یادگیری در دانشجو بهتر و عمیق تر اتفاق بیفتد آموزش است.

به عنوان مثال زمانی که معلم در مرحله اول برنامه ریزی می کند که چه مطالبی را در طول دوره به دانشجو ارائه بدهد، در مرحله دوم می اندیشد که این مطالب را با استفاده از چه روشی ارائه کند، در مرحله سوم در نظر می گیرد که از چه وسایل کمک آموزشی جهت یادگیری عمیق تر استفاده کند و در مرحله آخر تصمیم می گیرد که از چه طریقی میزان یادگیری دانشجو را ارزشیابی کند و پی برد دانشجو چه میزان از مطالب آموخته شده را فراگرفته است، در واقع در حال انجام فرآیند آموزش است و این چند مرحله که پشت سرهم انجام می شود فرآیند آموزش است. آموزش یک فرآیند تصادفی نیست بلکه یک فرآیند کاملاً از قبل برنامه ریزی شده است. همچنین آموزش مانند تدریس یک مرحله نیست و از چند مرحله پشت سرهم تشکیل شده است.

فرآیند آموزش

هر فعالیتی که با انجام چند مرحله اقدام، به صورت گام به گام صورت بگیرد فرآیند نامیده می شود. به عنوان مثال کاشت یک نهال توسط کشاورز یک فرآیند است که از چند مرحله پشت سرهم شامل کاشت، داشت و برداشت تشکیل شده است که کشاورز برای کاشت یک نهال خوب باید تمام این مراحل را گام به گام با دقت انجام بدهد تا به نتیجه مطلوب دست یابد.

آموزش نیز یک فرآیند است که در این فرآیند چند مرحله اقدام باید به صورت گام به گام صورت بگیرد تا یادگیری در دانشجو به صورت صحیح اتفاق بیفتد.

فرآیند آموزش ۵ مرحله اساسی دارد که این مراحل شامل بررسی، شناسایی مشکل، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی است. به این مراحل به طور مفصل در ادامه پرداخته می شود.

فصل دوم

آنچه در این فصل می خوانید:

- مرحله اول فرآیند آموزش (بررسی و جمع اوری اطلاعات)
- بررسی نیازهای آموزشی
- بررسی یادگیرنده
- بررسی محیط آموزشی

مرحله اول فرآیند آموزش (بررسی و جمع آوری اطلاعات)

اولین مرحله فرآیند آموزش بررسی و جمع آوری اطلاعات است. در فرآیند آموزش معلم باید به جمع آوری اطلاعات در سه مورد پردازد.

(۱) جمع آوری اطلاعات در مورد نیازهای آموزشی که دانشجو در آن دوره دارد. معلم باید بداند که در آن دوره آموزشی چه مطالبی برای دانشجو مورد نیاز است و چه مطالبی را لازم است که تدریس کند.

(۲) جمع آوری اطلاعات در خصوص دانشجویی که قرار است آموزش برای او صورت بگیرد. معلم باید بداند که تدریس را برای چه دانشجویی انجام می دهد. دانشجو چه معلوماتی از قبل دارد، در چه رده سنی قرار دارد، میزان درک و فهم دانشجو در چه سطحی است.

۳) جمع آوری اطلاعات در مورد شیوه ها و روش هایی که با کمک آن ها یادگیری بهتر و عمیق تر صورت می گیرد.

به طور کلی مرحله بررسی و جمع آوری اطلاعات باید توسط معلم قبل از شروع دوره و همچنین قبل از شروع هر جلسه درس به طور جداگانه صورت بگیرد. البته مرحله جمع آوری اطلاعات در این موارد سه گانه تنها قبل از شروع دوره صورت نمی گیرد و گاهی لازم است که معلم در طول یک دوره آموزشی و اواسط دوره، مجدد به بررسی بپردازد.

بررسی نیازهای آموزشی

منظور از نیازهای آموزشی، مطالبی است که لازم و ضروری است در هر دوره آموزشی به دانشجو ارائه شود. آموزش دادن همه چیز نه امکان دارد و نه لازم است. برای معلم امکان پذیر نیست که بتواند همه مطالب در مورد یک موضوع خاص را برای دانشجو تدریس کند بلکه معلم

باید از بین انبوهی از مطالب آن هایی را انتخاب کند که یادگیری آنها برای دانشجو لازم و ضروری است.

معلم باید آموزش خود را روی وظیفه ای که دانشجو برای انجام آن وظیفه آموزش می بیند، متمرکز کند و فقط آن تئوری ها و مهارت ها و مطالبی باید تدریس شود که با انجام آن وظیفه در ارتباط می باشند. مطالبی که اهمیت ندارند نباید آموخته شوند.

علم بشر در تمامی رشته ها آنقدر گسترده و وسیع است که یک معلم با توجه به محدودیت زمانی قادر نیست تمامی مطالب در خصوص یک رشته تحصیلی را به دانشجو بیاموزد پس ناگزیر است که از بین این مطالب گسترده، مطالبی را برای آموزش به دانشجو انتخاب کند که دانشجو برای انجام وظیفه خود و حرفه آینده خود به آن ها نیازمند است و بدون یادگرفتن آن ها نمی تواند وظیفه حرفه ای خود را به خوبی انجام بدهد.

به عنوان مثال برای دانشجوی پرستاری که قرار است در بخش مراقبت های ویژه قلب کار کند آموزش تمام

جزئیات بیماری های قلب و عروق و نحوه انجام جراحی قلب با تمام جزئیات نه امکانپذیر است و نه لازم است. در این مورد معلم باید مطالبی را که برای کار در بخش جراحی قلب برای یک پرستار لازم است را انتخاب کند و بیشتر مطالب مربوط به حرفه پرستاری و مراقبت های پرستاری از بیماران قلب و عروق را به دانشجو بیاموزد به این دلیل که با توجه به محدودیت زمان و سایر محدودیت ها امکان آموزش همه مطالب وجود ندارد. معلم باید بیشتر بر تدریس مراقبت های پرستاری که لازمه انجام حرفه پرستاری است تاکید کند و مثلاً نحوه جراحی قلب باز که لازمه حرفه پزشکی است و نه پرستاری، را حذف کند.

برای آموزش آنچه دانشجویان برای انجام حرفه خود به آن نیاز دارند لازم است که معلم آن حرفه را به طور کامل و دقیق بشناسد و بداند که برای انجام بهتر یک حرفه، دانستن چه معلومات و دانشی ضرورت دارد. بهتر است که معلم خودش چندین سال در آن حرفه مشغول به کار بوده باشد تا تمام جزئیات و ریزه کاری های آن شغل را بداند. اگر معلم خود تجربه کار در آن حیطه کاری

را داشته باشد بهتر و بیشتر در جریان آنچه که باید برای انجام این وظیفه آموزش داده شود قرار می گیرد و بهتر تشخیص می دهد که چه مطالبی باید آموزش داده شود. تنها در این صورت است که دانشجویان در پایان دوره به جای آن که فقط اطلاعات لازم در مورد درس را بدانند، می توانند آن کار را به خوبی به انجام برسانند.

آنچه که باید آموخته شود معلومات ، دانش و مهارتی است که دانشجویان برای بهتر انجام دادن حرفه خود در آینده به آن ها نیاز دارند. بر این اساس مطالب آموزشی به سه دسته تقسیم می شوند.

دسته اول، مطالبی که باید تدریس شود و لازم است که دانشجویان حتما برای انجام وظایف محول شده، آن ها را یاد بگیرند. این مطالب حتما باید توسط معلم تدریس شود. (مطالبی که باید آموخته شود)

دسته دوم مطالبی است که مفید است که آموخته شود. معلم روی این دسته مطالب تمرکز می کند اما اهمیت این دسته از دسته اول کمتر است. (مطالبی که

بهتر است که آموخته شود)

دسته سوم مطالبی است که جالب است که آموخته شود یعنی معلم با توجه به محدودیت های زمانی و سایر محدودیت ها می تواند تصمیم بگیرد که آن ها را تدریس کند یا خیر. آموختن این مطالب ضروری نیست. (مطالبی که آموختن آن ها خوب است)

معلم باید دقیقا مشخص کند که دانشجو باید چه مطالبی را یاد بگیرد.

برای تعیین نیازهای آموزشی کلی هر گروه تحصیلی و هر مقطع تحصیلی، کارشناسان متخصص آن گروه تحصیلی، اقدام به تهیه یکسری برنامه های آموزشی تحت عنوان برنامه درسی یا کریکولوم آموزشی می کنند و با توجه به نیازهای جامعه هر چند سال یکبار این برنامه های آموزشی را بازنویسی می کنند و در اختیار اساتید دانشگاه قرار می دهند تا یک خط مشی کلی در اختیار اساتید قرار بگیرد و بتواند راهنمای کار آن ها باشد.

(کریکولوم آموزشی: برنامه ای که در آن برنامه ریزان

آموزشی با در نظر گرفتن نیازهای آموزشی و اهداف یادگیری، محتوای آموزشی را تهیه می کنند و علاوه بر محتوای آموزشی روش های تدریس و ارزشیابی را نیز تعیین می کنند). در جدول ۱-۱ یک نمونه کریکولوم آموزشی آورده شده است.

جدول ۱-۱. نمونه ای از کریکولوم آموزشی

رشته تحصیلی: کارشناسی اتاق عمل پیوسته					
شماره درس	نام درس	تئوری	عملی	کارآموزی	دروس پیش نیاز
۷۸۶۰۰۲	آسیب شناسی و بافت شناسی	۱/۵	۰/۵	-	فیزیولوژی ۲
۷۸۵۰۰۹	بیهوشی و مراقبت های آن	۱/۵	۰/۵	-	
۷۸۰۰۹۳	داروشناسی	۲	-	-	فیزیولوژی ۲ و ۱
۷۸۶۰۰۸	روش احیای قلبی	۱/۵	۰/۵	-	بیهوشی و مراقبت های آن

اما در بررسی نیازهای آموزشی تنها توجه به این برنامه های آموزشی از قبل طراحی شده کافی نیست به این دلیل که آموخته های دانشجویان در هر کلاس درس با یکدیگر یکسان نیست و ممکن است دانشجویی سطح آموخته های قبلی اش کمتر از آن چیزی باشد که در یک برنامه آموزشی طراحی شده و نیاز باشد مدرس مطالب پایه تر را مجدداً به دانشجویان بیاموزد. پس معلم باید یک دانشجویان یک کلاس را به صورت منحصر به فرد در نظر بگیرد و به نیازهای آموزشی فرد دانشجویان به صورت جدا توجه کند.

به عنوان مثال معلمی که قصد دارد طبق برنامه یا کریکولوم درسی، بیماری های ناشی از سوء تغذیه را به دانشجویان بیاموزد، ابتدا باید اطمینان حاصل کند که دانشجویان نقش مواد غذایی در عملکرد طبیعی بدن را می داند حال ممکن است آموزش نقش مواد غذایی در عملکرد طبیعی بدن جز کریکولوم نباشد، اما لازمه یادگیری بیماری های ناشی از سوء تغذیه این است که دانشجویان نقش مواد غذایی در عملکرد طبیعی بدن را از قبل آموخته باشد و

اگر دانشجو در این زمینه آموخته قبلی اندکی داشته باشد معلم باید این مطالب را هم در تدریس خود بگنجانند حتی اگر این مطلب در کریکولوم آموزشی آن دوره ذکر نشده باشد.

معلم علاوه بر آنچه در کریکولوم آموزشی طراحی شده باید آموخته های قبلی دانشجویان خود را به طور اختصاصی در نظر گرفته و در جلسات درس، آن آموخته ها را تکمیل یا تصحیح کند.

جهت بررسی آموخته های قبلی دانشجو، معلم باید قبل از شروع هر جلسه درس، در جلسه قبل میزان آگاهی دانشجو در مورد آن مطلب آموزشی را ارزیابی کند و با توجه به سطح آگاهی دانشجو، طرح درس جلسه بعد را بنویسد تا بداند که درس جلسه بعد را از کجا شروع کند و نیازهای آموزشی جلسه بعد چه مطالبی است؟

معلم برای تعیین مطالبی که در هر جلسه درس نیاز به تدریس دارد ابتدا به کریکولوم آموزشی هر درس مراجعه کرده و سپس در جلسه قبل سوالاتی را در مورد مطالبی

که قرار است در جلسه آینده تدریس کند مطرح می کند و دانش قبلی و پایه دانشجویان در خصوص موضوع مورد نظر را تعیین می کند و سپس مشخص می کند در جلسه آینده تدریس را از چه مطالبی شروع کند؟ چه مطالبی نیاز به تاکید بیشتر و چه مطالبی نیاز به تاکید کمتر دارند؟

بسیار اهمیت دارد که سطح دانش قبلی و از پیش آموخته شده دانشجو توسط معلم ارزیابی شود. آموخته ها و تجربیات قبلی دانشجو می تواند بر روند یادگیری تاثیر بگذارد.

بررسی یادگیرنده

مورد دیگری که در مرحله بررسی باید مورد توجه قرار بگیرد جمع اوری اطلاعات در مورد دانشجویی است که قرار است مطالب آموزشی برای او تدریس شود. در جمع اوری اطلاعات در مورد دانشجو باید به چند مورد اساسی توجه شود که در زیر به آن ها اشاره می شود.